بِسْمِ اللّهِ الرّحْمٰنِ الرّحِيمِ

بحث ما، چون در آستانه ایام شهادت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها هستیم، اشاره‌ای به خطبه نورانی آن حضرت در مسجد پیامبر دارم.

حتماً می‌دانید که مجموعه گفتارها و موضع‌گیری‌های حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در این هفتاد و پنج یا نود و پنج روز بعد از رحلت خاتم‌الانبیا، نقش بسیار مهمی در دفاع از حریم امامت و ولایت داشت؛ هم سخنرانی‌ها و خطبه‌ها و هم موضع‌گیری‌های صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها.

یکی از این سخنرانی‌ها، همین خطبه‌ای است که حضرت در مسجدالنبی خوانده‌اند. می‌دانم که این فرصت کوتاه، مجالی نیست که بتوانم به همه این خطبه بپردازم؛ ولی همین مقدار که توجه عزیزان را به عظمت این خطبه جلب کنم، کافی است.

می‌دانید که در طول تاریخ، دشمنان اهل‌بیت اصرار داشتند این خطبه فراموش شود. حتی استناد این خطبه به حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را منکر می‌شدند؛ ولی در نقطه مقابل، اهل‌بیت اصرار داشتند این خطبه محور گفت‌وگوها قرار بگیرد.

یکی از نوادگان زید شهید، فرزند امام سجاد علیه‌السلام، جمله‌ای دارد که برای بیان عظمت این خطبه کافی است. ایشان می‌گوید:

«رأَيْتُ مَشَايِخَ آلِ أَبِي طَالِبٍ يَرْوُونَهَا عَنْ آبَائِهِمْ وَعَنْ يُعَلِّمُونَهَا أَبْنَاءَهُمْ»

من می‌دیدم که بزرگان آل ابی‌طالب، همیشه این خطبه نورانی را از پدرانشان روایت می‌کردند و به فرزندانشان تعلیم می‌دادند.

اهل‌بیت اصرار داشتند این خطبه محور گفت‌وگوها قرار بگیرد. الان نسل ما، جامعه ما و جوان‌های ما، نه‌تنها جوان‌ها، بلکه خود ما هم همین‌طور، چقدر با خطبه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها آشنا هستیم؟ یک خطبه‌ای شنیده‌ایم که حضرت آمدند و در مسجد خطبه خواندند؛ اما چه فرمودند؟

الان اگر به یک جوان شیعه بگوییم: «شما پنج دقیقه راجع به خطبه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها صحبت کنید»، آیا می‌تواند؟

من تقاضا می‌کنم از همه عزیزانی که اهل منبر هستند و تریبون‌های مقدس در اختیارشان هست، در این ایام فاطمیه حتماً بخشی از مطالبشان را به این خطبه نورانی اختصاص بدهند.

کتاب‌های فراوانی در این زمینه نوشته شده است. من به‌عنوان نمونه نام ببرم؛ یکی از کتاب‌هایی که بسیار بسیار خوب و مفید است، برای کسانی که اهل کتاب، مطالعه، تحقیق و بررسی هستند، دو جلد شرح خطبه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، اثر آیت‌الله سید عزالدین حسینی زنجانی است.

ایشان از مراجع تقلید بودند و صاحب رساله بودند. سال‌های آخر عمرشان را در مشهدالرضا زندگی می‌کردند. چند سالی است که از دنیا رفته‌اند. فقیه بودند، مجتهد بودند، حکیم بودند، مفسر بودند و عالم بسیار بزرگواری بودند. کتاب‌های فراوانی دارند؛ از جمله دو جلد شرح خطبه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها.

عنوان کتاب ایشان هم همین است: «شرح خطبه فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها»، اثر آیت‌الله سید عزالدین حسینی زنجانی. اوایل انقلاب، امام جمعه زنجان بودند؛ سید بسیار بزرگواری بودند.

عزیزان این کتاب را مطالعه کنند یا کتاب‌های دیگر را. در مجالس و محافل، این خطبه باید محور گفت‌وگوها قرار بگیرد.

اجازه بدهید اشاره کوتاهی به سند این خطبه داشته باشم و اشاره کوتاهی هم به فضایی که حضرت در آن فضا این خطبه را خواندند.

از نظر سند، این خطبه در قدیمی‌ترین کتاب‌های اهل‌سنت و شیعه آمده است. واقعاً اراده الهی بود. اگر خدا اراده کند، خداوند متعال اراده کند که یک سندی در تاریخ بماند، کسی نمی‌تواند مخالفتی کند.

شما باور می‌فرمایید که قدیمی‌ترین کتابی که خطبه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را نقل کرده، متعلق به یکی از علمای اهل‌سنت است، به نام «بلاغات النساء»؟ این کتاب در بازار فراوان است.

«بلاغات النساء»، مؤلفش در سال دویست و چهار به دنیا آمده و وفاتش در سال دویست و هشتاد هجری بوده است. از اسم کتاب پیداست: «بلاغات النساء»؛ یعنی خطبه‌های بلیغی که از زنان نام‌آور تاریخ به‌جا مانده است.

نویسنده این کتاب دلش می‌خواسته سخنرانی‌هایی را که زنان داشته‌اند، سخنرانی‌های بسیار فصیح و بلیغ، جمع‌آوری کند.

خطبه اول این کتاب، متعلق به عایشه است. خطبه دوم این کتاب، خطبه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیهاست؛ خطبه دوم متعلق به حضرت زهراست. خطبه سوم این کتاب، خطبه عقیله بنی‌هاشم، زینب کبری سلام‌الله‌علیهاست؛ خطبه سوم متعلق به حضرت زینب است.

ولی خب، خداوند اراده کرد این سند در قدیمی‌ترین کتاب‌های معتبر اهل‌سنت و شیعه باقی بماند. در منابع شیعه هم فراوان آمده است؛ سید مرتضی، شیخ مفید، شیخ طوسی، مرحوم طبرسی و همین‌طور در تمام قرن‌ها، این خطبه نورانی باقی مانده است.

ولی مطلب دیگری اضافه کنم.

می‌دانید، گاهی سخنرانی‌های اهل‌بیت و خطبه‌های اهل‌بیت آن‌قدر بلند و والا هستند که نیاز به سند ندارند. خطبه‌های امیرمؤمنان سلام‌الله‌علیه در نهج‌البلاغه را می‌دانید؟ اگرچه سند دارند، اما سید رضی سندها را نیاورده‌اند. البته کتاب‌های فراوانی درباره اسناد خطبه‌های امیرمؤمنان چاپ شده است؛ اما اگر سند هم نداشتند، چه کسی می‌توانست منکر آن‌ها باشد؟

امیرمؤمنان سلام‌الله‌علیه خطبه‌ای دارند که در کتاب کافی مرحوم کلینی، یک صفحه است. این خطبه با این جمله شروع می‌شود:

«الْحَمْدُ لِلّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوّلٍ کانَ قَبْلَهُ، وَ الآخِرِ بِلَا آخِرٍ یکونُ بَعْدَهُ.» حمد خدایی را که اول همه آثار هستی اوست و قبل از او اوّلی نبوده. و آخر است بی آنکه پس از او آخری باشد.

این خطبه یک صفحه است. در کتاب توحید کافی، وقتی خطبه تمام می‌شود، مرحوم کلینی رضوان‌الله‌علیه می‌فرماید: «لَوِ اجْتَمَعَتْ أَلْسُنَةُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ». اگر تمام جن و انس جمع شوند و بخواهند به زیبایی امیرمؤمنان خطبه بخوانند و توحید را بیان کنند، نمی‌توانند. این سند می‌خواهد؟

ما در مورد قرآن تحدی داریم. قرآن می‌فرماید جن و انس جمع شوند و یک سوره مانند قرآن بیاورند. آن تحدی در کلام خالق است؛ اما در کلام مخلوق، مرحوم کلینی می‌فرماید تمام جن و انس جمع شوند و یک سخنرانی مانند سخنرانی امیرمؤمنان، مانند این خطبه توحیدی امیرمؤمنان، بیاورند. این سند نمی‌خواهد؟

خطبه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها هم همین‌طور است.

خب، اجازه بدهید من خیلی کوتاه به فضای ایراد این خطبه اشاره کنم و چند جمله‌ای از خطبه حضرت را بخوانم. کسانی که این خطبه را روایت کرده‌اند، در این فضا روایت کرده‌اند.

مثلاً مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج می‌نویسد: وقتی به حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها خبر دادند که فدک را غصب کرده‌اند و کارگزاران و کارگران ایشان را از فدک بیرون کرده‌اند، حضرت راه افتادند و به مسجد آمدند؛ اما چگونه به مسجد آمدند؟

«لَاثَتْ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَ أَقْبَلَتْ فِي لُمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نِسَاءِ قَوْمِهَا تَطَأُ ذُيولَهَا، مَا تَخْرِمُ مِشْيتُهَا مِشْيةَ رَسُولِ اللّهِ صَلّى اللّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ وَ سَلّمَ حَتّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكرٍ- وَ هُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ غَيرِهِمْ فَنِيطَتْ دُونَهَا مُلَاءَةٌ، فَجَلَسَتْ ثُمّ أَنّتْ أَنّةً أَجْهَشَ الْقَوْمُ لَهَا بِالْبُكاءِ»

این فضای خطبه حضرت است. حضرت راه افتادند:

«لَاثَتْ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا»؛ خمار، در قرآن هم آمده است؛ اما «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنّ». خمار به آن روسری یا مقنعه بلندی می‌گویند که تمام سر، گردن و بخشی از سینه را می‌پوشاند. حضرت این مقنعه را بر سر کردند.

به این اکتفا نکردند:

«وَاشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا»؛ جلباب یعنی پوشش سراسری؛ چیزی که همه بدن را می‌پوشاند؛ یعنی چادر. حجاب فاطمی این است. حالا هر کسی هر انتخابی می‌خواهد داشته باشد، بسم‌الله! حجاب سلیقه طاهره سلام‌الله‌علیها این است: یک مقنعه بلند که تمام سر، گردن و بخشی از سینه را پوشانده است. علاوه بر این:

«وَاشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا»؛ آن پوشش سراسری، آن چادر را بر سر کردند.

تنها نیامدند:

«وَأَقْبَلَتْ فِي لُمَّةٍ»؛ جماعتی از زنان همفکر و خویشانشان همراه حضرت بودند.

«تَطَأُ ذُيُولَهَا»؛ به‌گونه‌ای حرکت می‌کردند که دنباله لباسشان زیر پا قرار می‌گرفت. دیده‌اید گاهی انسان با ناراحتی و اضطراب حرکت می‌کند و چادر زیر پا قرار می‌گیرد، عبا زیر پا قرار می‌گیرد؟ «تَطَأُ ذُيُولَهَا»؛ دنباله چادر زیر پای حضرت قرار می‌گرفت.

«مَا تَخْرِمُ مِشْيَتُهَا مِشْيَةَ رَسُولِ اللّهِ»؛ راه رفتن حضرت، همان راه رفتن پیامبر بود. در روایات داریم که فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها شبیه‌ترین مردم به رسول خدا بودند.

حضرت به مسجد آمدند. مسجد مملو از جمعیت بود؛ مهاجرین، انصار، خلیفه اول و دیگران در مسجد حضور داشتند:

«فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ».

تا حضرت وارد شدند، به احترام صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها پرده‌ای آویختند. حضرت پشت پرده نشستند. ابتدا خطبه نخواندند؛ بلکه ناله‌ای زدند:

«ثُمّ أَنّتْ أَنّةً أَجْهَشَ الْقَوْمُ لَهَا بِالْبُكَاءِ».

مردم گریه کردند. حضرت ضجه می‌زدند. تنها یادگار پیامبر، دختر پیامبر، در روزهای اول پس از رحلت پیامبر، به مسجد آمدند، پشت پرده نشستند و ناله زدند.

این ناله، ناله‌ای بود که لغت‌شناسان آن را این‌گونه معنا کرده‌اند: گاهی بچه‌ای هنگام گریه کردن، خودش را به زمین می‌زند، به دامن مادر پرتاب می‌کند و خودش را این طرف و آن طرف می‌اندازد. این حالت را «اِجْهَاش» می‌گویند.

مردم این‌گونه گریه می‌کردند؛ ولی صد حیف که بعد از آن، حرفی نزدند، دفاعی نکردند و پای کار نایستادند.

چرا حضرت گریه کردند؟ چرا صدیقه طاهره ناله زدند؟ نمی‌دانم؛ شاید نگاهشان به محراب پدر افتاد، به منبر پدر افتاد، به مسجد پیامبر افتاد.

یا رسول‌الله! پدر جان! والا همین منبر، سفارش ما را کردی. والا همین منبر فرمودی: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي». والا همین منبر فرمودی: «رِضَا اللّهِ فِي رِضَا فَاطِمَةَ».

در همین مسجد، در مسیر شش ماه، آمدی در خانه ما و سلام کردی؛ بعد از نزول آیه تطهیر:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ»، «إِنَّمَا يُرِيدُ اللّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ»

این خاطره‌ها برای صدیقه طاهره شاید تکرار شده باشد.

به هر حال، صبر کردند تا جلسه آرام گرفت و خطبه را خواندند.

این خطبه را می‌توان به دوازده بخش تقسیم کرد. بخش اول، فلسفه احکام است. بخش دوم، اهداف رسالت است. بخش سوم، شرایط مردم در عصر جاهلیت است. بخش چهارم، خدمات امیرمؤمنان است.

این بخش مفصل است. عرض کردم مجال نیست. من فقط به یک فراز اشاره کنم. حضرت خدمات امیرمؤمنان سلام‌الله‌علیه را نام می‌برند:

«كُلَّمَا قَدْ أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللّهُ، أَوْ نَجَمَ قَرْنٌ لِلشَّيْطَانِ، أَوْ فَغَرَتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكُفِئُ حَتّى يَطَأَ صِمَاخَهَا بِأَخْمَصِهِ، وَيُخْمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللّهِ، مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللّهِ، سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللّهِ، مُجِدًّا كَادِحًا، مُشَمِّرًا نَاصِحًا، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ»

فرمودند: وقتی دشمنان دهان باز می‌کردند، مشرکین دهان باز می‌کردند، پدرم علی را در دهان مشرکین می‌انداخت؛ کسی که می‌توانست دشمن را گلوگیر کند و زمین‌گیر کند، علی‌بن‌ابی‌طالب بود. تا آتش فتنه‌ها را خاموش نمی‌کرد، برنمی‌گشت. کمر همت بسته بود؛

«سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللّهِ، مُجِدًّا كَادِحًا، مُشَمِّرًا نَاصِحًا، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ».

در همه میدان‌های نبرد، علی‌بن‌ابی‌طالب نفر اول بود. به سرزنش سرزنش‌کنندگان ترتیب اثر نمی‌داد.